

تاریک و شادباز میگویند
 میوه دلدرد بخوردند بی چنین سال
 انتشار خود را آغاز کرد.
 ما مدبر و کارکنان این مجموعه و
 کاپین ادبی را همیشه شادباز میگویند
 آقای امیرانی یکی از جوانان
 تحصیل کرده و جلی است که میگوید
 خدمت به فرهنگ را کار بر خود قرار
 میدهد.
 ما بهمن ایران میله خواهیم بود
 یکی از نور در حزب عالم مطبوعات
 میماند.

دوست مآذی امیرانی در انتخاب
 کاپینی از نوبته کن در فرهنگ
 بسیار مشرفی نشان داده اند. میله
 خواهد بود. معصوم در آخر
 خواهد بود. معصوم برای رفع خشکی و
 وقت انگرایی است معصوم این نظریات را
 ذکر کرد و معصومانی آن من بسیار
 خوشترید میایند. شادبازان ایران را
 به کاغذ اشتغال و وقت میروان آورده
 آقای امیرانی برای خوشی خواهند
 همه داده است از کتب ما هم نگه
 های اشتیاقی میکنند و روسیه در آخر
 آن ملک اجرا خواهد بود. این سابقه
 در تمام بیچای است. میترس معصوم
 خواندنی است. ملک بلای و مهربان میله
 هنرمندی اورست داده بی میله سنگین
 و روح انسانی است.

بسیار جوان یکسخت خواهد بود خوب
 برای راست است. میله خوش چینی آن
 اینه که میگویند یادآورند. هایش
 میانه معصوم من جوانان بود
 این است آقای امیرانی آدمای خوشی
 طرفه خود را هم تهیه هایش آرزوی
 نوشته میاید. صورت است این است
 ادامه میدهد. وقت خواهد بود. آخر
 میاید. بدون اینکه خوردن آنها را
 داشته باشد کار بسیار میاید اجباری
 دهد میله خواندنی با اکثر یک جمله
 هنرگ میاید. نیست شادباز خواهد
 آقای خوب است. میگویند راجع آرزوی
 میگوید و بسیار میاید و در مضامین
 پیش میرد. در کتب مردمی خواهد
 میاید معصوم برای جوانان و معصوم
 خواندنی و یار بسیار میاید بیرو
 دختر به های دستارها با خواندن آن
 ذوق خواهد پیدا میکند. این خود
 یک خدمت خواهد بود. میاید که در
 انتشار کاپینی از تاپروژ نامه آنها انتشاره
 میکند البته موضوع قطعاً انتخاب ادبی
 باشد بهتر است همان یک جمله بی
 طرف بود و چهار دلیلی احتیاج شدیدی
 دارد. شادباز میگویند خوردن سنگ
 نیست شادباز میاید. و مد که آرزوی
 جرایب تهران در اختیار گرفته اند
 داشته باشد. میاید وقت رهنز میکند
 از میان آید. میاید برای جوانان طالب
 نوبتی خواهد کرد.
 اینرا یک کتابی دراز باشد که جمله
 خواب خواهد شد. اینا بیانه خبر
 شریک است. میاید بیاید شادباز خواهد کند
 میله شادباز میاید معصوم طرفه شادباز
 زیاد بودی میکند. باستان پیش میاید
 کرد از روزنامه معاصران و دشمنان
 خود می خوانند پیدا کردید از
 اشتیاق آن خودداری نکنید ادبیت و
 صنعت هنرگ است دوست و دشمن
 آینهشاند.

ملت فرانسه در راه آزادی متن سخنرانی مدیر این روزنامه در رادیو تهران

امروز انتظار عالم از ملت فرانسه است در ۲۲ آبان یکبار دیگر
 راه آزادی شکست اجبار بگیرد و نام
 های بسیار بزرگ بر داشته میشود.
 ملت فرانسه در تیر مبارک و شریف
 طاعت فرمای چهار ساله خود ثابت کرد
 که ملت زنده است. حق حیات دارد
 و هیچ دولتی نمیتواند این حق را از
 او سلب کند.
 فرانسه دارد با انتظار بزرگ
 های تاریخ خود را با گذشت احیاء
 و هیئت ملیت میکند. شا اینه
 شنبه امه در فرانسه است. احیاء و
 آبادی است که بعد از دیگری
 خدمت فرودمان میخانه و شهرها را
 را خود اهل باس زور با خود آوردند
 را خود دفاتر کت کرده اند.

۱۹۴۰ میلادی یعنی بعد از سقوط
 پاریس یکی از نوبته های بزرگ فرانسه
 کشانی پوشته در آن ثابت کرده بود که
 هنوز دوازده سال باقی است.
 ما اینک ملت فرانسه در فرهنگ
 فرانس و اروپا است. ادبیت فرانسه
 تاریخ متمدن و تقویت فرانسه
 است کشور فرانسه صرفاً غنای ملت
 دیگری خواهد بود. در حال حاضر
 میاید از آرزوی خود بیخود
 ایران نگفته بود. او ملت خود را
 میباشاند و با دست ما مانده پوسته
 در دقان است و دشوار خواهد بود
 داد فراموشی خود را با گمان سر
 اندو حفظ کرده آموزش بازرگانه
 نخواهد شد و دانش فرانسه
 آزادی و استقلال میباشان با آن صورت
 از بین برود.
 در نخستین روزهای جنگ مردم
 سرتنه فکر خرابی میکردند که اگر
 ارتجاع پلرشته آزادی قلبه خواهد کرد
 قاشیب و اسنابل روسیای که
 دو از یکسر پلرشته آب میورن نام تمام
 ما سفر خواهد کرد. اما میکنند
 مقاومت تا آن وقت که ای اهداف
 ملت فرانسه با دو مقابل آنها زانو
 زده برنش و آغاز میخواستند
 خود در اختیار آید که ادواری در زمان
 انقلاب ۱۷۸۹ و ۱۸۴۸ میباشند که
 غالب نیروی درگراسی الا خواهد
 گرفت غشی ارتجاع ناچار است
 مقال خوشید آرد فر و کرده در
 بنوله و خراب خواهد بود.

نانی در صند
 پروش هنرگ شده

روزنامه پرورش با هاد سرب
 و سابقه پیشین درود بود
 منتشر شد.
 شماره اول این نشریات
 بود معصوم دوست دیرین خود آقای
 معنی را از قلب خرواستار من

اکنون که بیوجه ام دولت بیعل ما در است
 از دستان هر ز سروردان گرامی شود خدا حافظی کرده و موفق آید
 در خدمت بیگنوس صیبه خواهد
 از یکبار من روزنامه نگار خود که با احساسات پروری میروند
 معیت و لطف خود قرار داده اند چنانکه تشکر میکنم
 رهنما
 آزیری

مقدمه ها

چرا دموکریک بود را برای رجمه بگردیم؟

اینکه آنتونی چرچیل در سال ۱۸۹۰ متولد و در سال ۱۹۵۴ در
 بجز به بلطی و ولانت ادب خوش در گذشت و در نامه این تاریخ چه
 کرد وجه نوبت از حومه این معاصر علاج است.
 چرچیل یکی از نوبته های بزرگ نوزدهم بود. در کشور بزرگ
 همسایه ما دوطرف قرن پیش توابع بی هنای ادب و کواکب درخشند
 بسیار بود. از مرامین و روسکس و کربانوف و روسکین و گربوگوف و
 بلینسکی و کورنوشکی و کورنیکوف و ماتولوسکی و ساتوی و بیلار
 چرچیل نامهای است که در رده بزرگین شمارا ووش نوسان و هنرهای جهان
 برده میشود. رومن رولان نویسنده شهر فرانسوی درباره ادبیت روسیه چنین
 میگوید: «فکر روسی در پیشاپیش فرهنگ جهان راست است»
 آثار چارلیان و یسنه گران روس در نیه دوم قرن گذشته گفته
 با فوق خوشتر است. «ژان کولستون در تاریخ است.» «توزر ابلهارز
 ادبیت روسی ادبیت یک حومه است. چیزیکه به اغراض از آن تراوش
 کرده و تشنگان مدالت و اعتزاز است. پیانو و ملاحی و جراحی و احضار
 آن است. صحنای و اعتراض سر به به با نالیهای اجتنابی قیام بر ضد
 پستی: فتنه ظاهر یعنی رستنی پیمان زنی دیگر»
 روستا روسی از نبردی که در وهای الموم با ناخوشی معاند کرد
 آورد نیرو گرفت. بیچان به جرات گفت که چرچیل در این نبرد
 صف مرق بود. برای پیشاپیش یک ادبیت بزرگ نقطه ملت بزرگ
 است. او با نبرد جنگ بر پشته ای را گرفت و در آنجا نبرد کرد
 گذشته و حال مالی نشان دارد که با دست گدایی بوده با حتی
 آنرا ساز میگفته ولی در عالم ادب و هنر بنام ست در حکم فرمانده
 یک از اسیبهای پاریس است. برای غمهای بزرگ خود برای بزرگداشت
 اگر معصومانی که ملت ما را بزرگوار کردند ثبت کرده است. برای معصوم
 بود و از لحاظ نالیته کوششهای که نام گرامین و رولان با متفوق است
 ادبیت نیه دوم قرن نوزدهم در روسیه زاد موطا بچای بزرگ
 سینه ادبیت روسیه و شکست و با گذشت از حق بیست و هفت و هشتاد و نهم

آتش تا بهمن از این نوشتی بنام افکن آن را برای: شورش دکاریست
 نتیجه تناس امرای روسی و اروپا و تفکر آزادی پرهاغانه
 نقوب طبقه متوسط روشنفکر و پیشاپیش کارخانه ها
 در مقابل جناح راستی به احکام انقلاب ۱۸۴۸ روس گومون پاریس
 بود که در ادبیت نیه دوم قرن نوزدهم معصومان نوبسته کن
 چرچیل تأثیر بزرگی داشت. سینه از نوبتی وضع خود را
 نبال حاصل از کشادگی بسیار گرفت و راه او بود
 و غمهای بسیار و گذرهای آزاد و سیرت روانه
 ارجندی دارد و شاد و روحی شادمان کتب ادبی روسی در صند
 تصادف میکنند.
 در روزنامه و آزیری ان بیچده من کت ایدامه ساده شده
 تعریف استاره آزیر روسیه در روز است
 هر ای گفتار و باور و حمله مانده از کلیه اوسب
 استبداد نوزدهم از ادبیت و کت ایدامه از ادبیت روسیه
 گذشته بیاید از ادبیت روسیه. منتظر فکود از ادبیت روسیه
 هر یک روش گیری ملوم و کشف خرافات برستی و ستان با
 در این صند هائیکس شده است. وقتی این داستان کوچک
 با حال اگاهی مکتوب و کتب میباشند در نادی این باور
 آنان در این روزها بزرگین اوست جانان از منزل کرده
 دلوری و نامهای طرف خوش خراب کرده اند

در هر قومی یک آزیری معنی یک یونانیست
 که در بلوز روز خواهد کرد. باید مواج نالی آرد
 کرد. مواج را با وضی باوره با پاس که از مشاهده
 از دستان پیدا شد ترس کرده است.
 (۱) داستان «موزیک ما» جدا گانه چاپ شد
 منتشر شود

تاریخ ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ آذای کوهالیه در اولن
 فاطمه شاه معصومی سازند بیکرک کوهالیه نام و در
 داخواست شماره ۵۳۲۱ تا ۵۳۲۴ داده اینکه حاج
 نامه شماره ۸۳ در تاریخ بنیم مهر ماه ۱۳۲۲
 خورد فوت کرده و حین الفوت روزه ماهی منصر
 معصومی یشتان شماره ۱۱۵ و در سفر پیر بناه
 میرالی و کبکایان بنام میاید بی ای بی ای
 انداد بی از شینگ گرامی کوهان مراتب است
 و مسروازت داد گستر و یکی از روزها های مرکز
 تیشاضی مزود اعتراف داد در طرف مدت مزبور
 مرید کوهان با اسرار خواهد شد بزرگ کس
 مدت مزبور این اسرار و سینا غیر از سوسری
 خواهد بود
 دلس کت داد کوهالیه شش تهران
 نوشت ۲۴۶۷۲

تجارت
 ۳۴

اداره روزنامه آزیر
 به خیابان لاالوار پاساژ بهار جنب
 روزنامه دارو منتقل شد

کتاب دیکتاتور و رفقا سیدضیاء الدین طباطبائی
 نویسنده امیر کبیرک
 نویسنده امیر کبیرک
 نویسنده امیر کبیرک

اثریبر

چند کلمه در اطراف کابینه آقای ساعد

بقیه از صفحه اول

حالا روزها هر که بخواهد باشد در مجلس هر کس بخواهد باشد. انچه از پیش کابینه است که بیرون می رود و دیگر مجلسیورا انات میکند همه مذهبیه که هر چه حشر را زد هاشان را بنگرد پستی با ممانند دگر مجلسی او بر خلاف کلمه صرح خود گفته اند (استدلال نداد که نامیوورش کردند تا باریان بر کب کابیه ازهر هناسی می خواهد تشکیل بشود برای ساعده دیگر بر میسک است بواند منت طولانی آنرا اداره بکنند زیرا با او بزرگوار بطور جبران ناپذیری ساخته است .

اصلا بکلیه منظر ساعده و ما ناپذیری منظر خروانه گان بر سراسیم آن از دیگران زیر پرده میسک بقیه محارف و کسرات و حسینی یوسوسه بود مجلس سعادیه منتهه که در روزی نطقه است می کنند نظرا آنرا خرابکاری است این ها بازی میکنند و دروازه ها را بسته اند و بازی میانه . این دمه سیدضیاء است آقایان دگر کار ظلمی و کاطلی و فاطمی و سایرین نه . با آن در روی عدم اطلاع بسیار آنرا میزنند . دمه مجلس هم که خود گورانه شده اند دارد قسمتی از نطقه آنها را اجرا می کند .

شاید آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی از این حرف خروانه گان ناپذیری سیدضیاء است به سید ضیا الدین نظر خوبی ندانند ولی چه باید کرده بشود کافله زمین میجرده و عسلا فرما گویون مردم پشت سر ضیاء الدین کشیده بشود . این تقصیر کسی نیست دست سرش و شرف و قضا و قدر ایستور مقدر کرده است .

بوده در باره اختراع نامه نمانند گران در پیشین . در خصوص افلاحتن کابینه ساعد هم همین متوال . من نظر همین ندانم . هر چه ادعا ها مسکن است غیر این با دخالی عمل ایستور نشان می دهد . ما در روی عمل تفاوت میکنیم .

فداه اگسویون مردم بداند فرما گویون همین شده است واقعا آقایان مردم مهربان و شریفی هستند . میگویند بدو زمان موقوف مشروطی چی بوده برای گرفتن قانون اساسی جان فشان کرده اند خودمان هم سوسیالیست هستیم با امتیاد و ارتجاع مبارزه میکنیم از نوعی آینه به اسباب کسی آب می بنده که قطعا بیادانه هفتش بر او افلاحتن اصول مشروطیت و ایجاد حکومت مثال میاشالی و استبد است . اگر نفعی بداند کار را میکند که بد باطل آنرا . بر ممالیه انتفاع افروزی فرما گویون در میان و مبین و آزادی را قدری تکمیل کند . فوتمت بر این اساس از مجلسیورا نظر گرفته بر نامه احزاب و دسته جانپرا که افرادیان فرما گویون که در وایاها مشرب بداند تکلیف دگر با بدت دو نظر بگیرد آنوقت کلام خود را جلو گذاشته مشاورت بکنند آیا این غیر از اختلاف نظر گاو بیاد اسم دگر می شود می دانند .

ما کجا میرویم با دست آن سلفان میسویامیم کار میکنیم نفسی از تشنگی کارکنان بیجاوری چیست .

سید ضیاء الدین در پیش روان است او میبخواهد تقصیر بازی بکند آفتو برای کارکنان ایجاد شکال قدر ماسرا های شیطانه که بالارضا همه او بدنام کرده خود پیش بنده جنوب بیثباتی و ریاست جمهوری خود را بپوش عمل کنان کرد .

اگر آقایان متوالیند به بی جوانان تازید دوران رسیده ماسرا بن و اشرفی ادهه باخته آدمهای صبری لیکنند و من شعفا بیادام بطور سنگم کلمه باطن سادگی بیادام .

اگر آینه مشروطیت بینما من نظرم من دستای روزی از نطقه طرف برای برچیدن آزادی و مشروطیت دارد بود میسکند و خیال می کند که در این حال بشر خود و بشر مسکنت اقدام می کند .

آنانند ساعد البته که مطالب نامه بزرگ نیست رفتن و آمدن و زوادم هم خیلی مهم اند ولی حرف سر این است که بدینواحه که مقبر مستقیم دگر یکی انجام بگیرد .

ما از این مریضیم . برای گرفتاری گرفته دست و پا شکسته مشروطیت را بپاره نمانند کشته بماند هر حال حال کجاست کجاست کابینه و کابینه نیز زود خوددهی . مشروطیت هم خیلی ساده نیست . جنگ تمام نیست . زمین سرشکست اولی از پیشی است کشور ایران یکی از متنازع ترین کت عالم را در بر دارد . میان این زده ها وزارت اسامی عجیب و غریب کشیده شده .

و توفیق العوله این ایشان که بدادو پیش بودند و توفیق العوله و سایرین را او برای هوجی گیری استفاده می کردند . با وجود این آدم ساعده و نفوس نیست خوب بود خوب تر بلکه بد است در شراب کردن قبول روزنامه های تکیه دست دراز می دارد و شوشه ها مانند هاشان را انور با و ساجد ایران در سحنی مشکلات دست می نهد .

خود خوره در شجاع و متبور اعتماد بکنند ولی عسلا اینطور نیست . دوشی از دل ز کوچکتر است . اگر ایستور میاید با نیک کن کولک سرفه سواد از میدان دور نیست . بالا رفتن که در خارج بود . میوانست برای صورت ظاهر هم باشد ایستور سود بکنند .

بعضی معتقدند که در تروجج فایزیم از روی سیاست و تدبیر قدم بر میماند . من این را باور ندارم . من خیال می کنم از جنین و دیگران آن کار را می کنند .

در عمت مواجرت میسکند . آدم موهوم برست و در مقابل خود . این نشان داده است .

قاید ما نه در مقابل نفوس زگرده باشد که هر وقت باران بر گردد در تراجاج دور رویتند و مدد روحیات سراسیم عسلا در پیش کوشه .

من خوشی میسکند اشعاش جون وقتی که فرست میسکند بمانند تفاوت نال پیدا کرده بناتان بزرگ انجام میدهد . وقتی که شکست میخورد بعدا خود را اماده که قبول است حتی به چیز های کوچکتر مثلا جادو و طلسم میوزنیون . نایزیم . میبریزند . آفتانوز هم در وایان با سر میکنند . اگر مظهر هم زود . رضا برای استفاده از هر چه ضعیف بود . با میان نگذاشته بودند ضمرا . ام آری بیانه نوانست و جبرجت بگیرد . زری بیانه بدین معنی است بر در مانع میباشند که گسوری آست دست آدمی باشد سعادته خود آست دست چند نفر آدم کوچک .

ملت فرانسه در راه آزادی متن سخنرانی مدیر این روزنامه در راجیو تهران

بته از صفحه اول

در پاریس بود که اولین بار علم انقلاب در گراسی افراشته شد . در پاریس بود که میرزا باغی صرف تاربخش را از کوری و قرفن سا با نهادند است بزبان آورد . گفته مریزا باغی که امروز بنظر ما مردم نماند ولی شایا اضرک از کور آن روزی عالم را در نظر میسکند .

چند حرف منسوبه دیک که با بخت فرانسه چه حرف منسوبه مناد و بزرگوار بگوش عالیان و سراسیم است .

دیر بویه با بگریه ما بازداره ملت آنرا آمده این روز با زور سراسیم از اینجا بیرون نفعایم رفت . این اعلان جنگ بود و بزرگوار هسلاز بود که سراسیم آن هر در ناخ بشر صلحه حدیثی افراشد .

روز اول تمام زبدها با سابل و اگر بغضان بیرونید . استقامت آن روزی ساسکین این بیور زبنا و در نظر خود میگویم و جبر میسکند قویبه که من چه میگویم و جبر میسکند در مقابل عظمت مردان فیروان که در کج بعضی افراشتن و پیرایش و زندگی لوگس آنرا دیده و شنبه اندام سراسیم فرود آرد .

میگویند پاریس سرسوز داده است آزادی است که تغییر طالع است پاریس آزادی است اما آماجبارا برای این دوست می داریم .

ملت فرانسه در راه آزادی متن سخنرانی مدیر این روزنامه در راجیو تهران

و توفیق العوله این ایشان که بدادو پیش بودند و توفیق العوله و سایرین را او برای هوجی گیری استفاده می کردند . با وجود این آدم ساعده و نفوس نیست خوب بود خوب تر بلکه بد است در شراب کردن قبول روزنامه های تکیه دست دراز می دارد و شوشه ها مانند هاشان را انور با و ساجد ایران در سحنی مشکلات دست می نهد .

خود خوره در شجاع و متبور اعتماد بکنند ولی عسلا اینطور نیست . دوشی از دل ز کوچکتر است . اگر ایستور میاید با نیک کن کولک سرفه سواد از میدان دور نیست . بالا رفتن که در خارج بود . میوانست برای صورت ظاهر هم باشد ایستور سود بکنند .

بعضی معتقدند که در تروجج فایزیم از روی سیاست و تدبیر قدم بر میماند . من این را باور ندارم . من خیال می کنم از جنین و دیگران آن کار را می کنند .

در عمت مواجرت میسکند . آدم موهوم برست و در مقابل خود . این نشان داده است .

قاید ما نه در مقابل نفوس زگرده باشد که هر وقت باران بر گردد در تراجاج دور رویتند و مدد روحیات سراسیم عسلا در پیش کوشه .

فداه اگسویون مردم بداند فرما گویون همین شده است واقعا آقایان مردم مهربان و شریفی هستند . میگویند بدو زمان موقوف مشروطی چی بوده برای گرفتن قانون اساسی جان فشان کرده اند خودمان هم سوسیالیست هستیم با امتیاد و ارتجاع مبارزه میکنیم از نوعی آینه به اسباب کسی آب می بنده که قطعا بیادانه هفتش بر او افلاحتن اصول مشروطیت و ایجاد حکومت مثال میاشالی و استبد است . اگر نفعی بداند کار را میکند که بد باطل آنرا . بر ممالیه انتفاع افروزی فرما گویون در میان و مبین و آزادی را قدری تکمیل کند . فوتمت بر این اساس از مجلسیورا نظر گرفته بر نامه احزاب و دسته جانپرا که افرادیان فرما گویون که در وایاها مشرب بداند تکلیف دگر با بدت دو نظر بگیرد آنوقت کلام خود را جلو گذاشته مشاورت بکنند آیا این غیر از اختلاف نظر گاو بیاد اسم دگر می شود می دانند .

بته از صفحه اول